

دکتر تقی تفضلی
دانشیار گروه فرهنگ و تمدن اسلامی

آثار و مقامات علمی میرفندرسکی

میرفندرسکی:

میر ابوالقاسم فرزند میرزا بیگ بن امیرصدرالدین موسوی حسینی مشهور به «میرفندرسکی^۱» از اجله حکماء موحدین و عرفاء متألهین و فلاسفه متصوفین و از اکابر دانشمندان شیعه امامیه است که در حکمت طبیعی و الهی و علوم ریاضی و بالاخره در همه دانشهای عقلی یگانه زمان و وحید دوران و سرآمد حکماء و سرسلسله عرفا بوده و امور عجیب و شگفت‌انگیز بسیار به او نسبت داده‌اند.

در کتاب «طرائق الحقایق» جلد سوم صفحه ۷ شرحی راجع به ملاقات او با یکی از اقطاب در هندوستان و اعتکافش در خانقاه او بمدت هفت سال و کیمیا شدن بدنش نوشته است^۲. ولادت میر با توجه به سال درگذشت وی که بنا بنقل تراجم در سنه ۱۰۵۰ اتفاق افتاده و در آن هنگام از عمر شریفش هشتاد سال میگذشته، در حدود سال ۹۷۰ هجری

۱ - منسوب به قصبه «فندرسک» که از قراء ایالت استرآباد در ایران است، و تا این شهر دوازده فرسنگ فاصله دارد (نعمت، عبدالله: فلاسفة الشیعه، چاپ بیروت، ص ۱۰۱).

۲ - خبری، ملا عبدالکریم: تذکرة القبور یا رجال اصفهان، با ملحقات و تحشیه سید مصلح‌الدین مهدوی. ص ۹۵.

قمری بوده است.

معاصران میر :

میرفندرسکی در عهد پادشاهان صفوی میزیسته و با شاهعباس کبیر (۹۹۵ - ۱۰۳۷) و شاه صفی (۱۰۳۷ - ۱۰۵۱) هجری قمری و بامر حوم شیخ بهایی (متوفی بسال ۱۰۳۱) و میرداماد (متوفی ۱۰۴۲) معاصر بوده است.

مقامات معنوی و علمی میر :

وی سفری به هندوستان کرد و مدتها در آن دیار به ریاضت نفس و مجاهدت صرف نمود و مورد توجه ملوک و سلاطین آن سامان قرار گرفت و نزد ایشان مکاتبی عظیم یافت و در زمان سلطنت شاه صفی بایران بازگشت و کلیه طبقات از عارف و عامی مقدمش را گرامی داشته و از مجلس درس قانون و شفای او افاضل و اعیان زمان بهره‌مند میگردیدند.^۳ گویند: روزی در محضر او یکی از مسایل هندسه از سخنان حکیم و فیلسوف طوسی طرح گردید، میر در همان حال که بر بالشی تاکید داشت بیدرنگ برهانی بر آن مسئله اقامه نمود، و از حاضران پرسید: آیا استدلال محقق طوسی همین نبوده است؟ گفتند: خیر. میر دلیلی دیگر ذکر نمود و باز از ایشان پرسید: آیا نظر محقق چنین نبوده؟ حاضران پاسخ منفی دادند. و بهمین ترتیب چندین استدلال و برهان با لبداهه بر آن مسئله اقامه نمود و این خود نشانه مهارت کامل و وقوف تام میرفندرسکی در این رشته از علم است.^۴ گرچه، صاحب «اعیان الشیعه» از کتاب «ریاض العلماء»

۳ - مدرس، میرزا محمدعلی: ریحانة الادب. چاپ دوم، چاپخانه شفق تبریز.

ج ۴، ص ۳۵۷.

۴ - فلاسفة الشیعه، ص ۱۰۱.

در شرح حال، میرفندرسکی چنین نقل کرده است: «حکیم فاضل فیلسوف صوفی مشهور کثیرالمهارة العلوم العقلية والرياضية لكنه قليل البضاعة في العلوم الشرعية بل والعربية...»^۵.

میر با همه فضل و کمال و با همه احترام و جلال که در میان خواص و عوام داشت از تعلیقات و تکلفات آزاد میزیست و از مجالست اکابر و ارباب مناصب دینوی دوری میکرد و اغلب با درویشان و فقیران و صاحبان ذوق و حال میگذرانید. لباس پشمبند در بر میکرد. و در تزکیه نفس خود بجان میکوشید^۶ این رباعی را در این باب سروده است

دنیا بگذاشتم به اهل دنیا

دنیا نکند قبول مرد دانا،

الا سه چهار ناچاری را

آب رز و باده و شراب و صهبا

آورده‌اند که روزی شاه عباس محض آنکه او را از مصاحبت‌های پست ملامت نماید، گفت می‌شنوم که بعضی از علماء با اجامر و اوباش معاشرند و به بازیها ناشایست آنها تماشا میکنند. میرفندرسکی جواب داد: من همیشه در جمع آنان بوده‌ام و هیچیک از علماء را آنجا ندیده‌ام. شاه از گفته خود پشیمان گشته و دانست در این رفتار حکمتی و رمزی باشد.^۷

سیر و سفر میرفندرسکی

و در مقدمه کتاب «تحفة المراد» و کتاب تاریخ ادبیات براون^۸ آمده است که میر، در سفر هندوستان تحت نفوذ یکی از شاگردان آذر

۵ - امین جبل عاملی، سید محسن: اعیان الشیعه. ج ۷، ص ۶۸.

۶ - هدایت، رضاقلی خان: ریاض العارفین، چاپ اول، سال ۱۳۵۰، ص ۱۶۵.

۷ - ریحانه‌الادب، ج ۴، ص ۳۵۷ ببعده.

۸ - براون: تاریخ ادبیات، ترجمه رشید یاسمی. ص ۱۷۲.

کیوان^۹ واقع شد و افکار زردشتی و هندی یا بودایی در وی تأثیر کرد چنانکه میگفت: مایل به طواف مکه نخواهم بود، زیرا که مستلزم کشتن حیوان بی گناهی است.^{۱۰}

فضل الله لایق در مقدمه‌ای که بر کتاب «تحفة المراد» نگاشته حکایت زیر را از کتاب قصص العلماء و همچنین کتاب «احوال و اشعار شیخ بهایی» تألیف سعید نفیسی آورده است که:

«وقتی شیری از قفس شاهی زنجیر گسسته و گریخته و با میرفندرسکی و شیخ بهایی که در بالاخانه عمارات شاهی نشسته بودند برخورد میکند. شیخ بهایی از جای خود نجبید ولی اندکی دچار ترس و وحشت گردید چنانکه عباي خود را جمع کرد و نیمی از صورت خود را پوشاند، اما میرفندرسکی بقوت نفس و نیروی باطنی و اراده تسخیر، شیر را با نگاهی رام کرده و نوازش نمود و قلاده بر گردنش نهاد...»^{۱۱}.

باری میرفندرسکی دارای مقامات باطنی بود و برای او کرامات بسیار نوشته‌اند، آورده‌اند در آن هنگام که میرفندرسکی بسیاحت ولایات کفار مشغول بود و با اهل آن دیار مخالفت مینمود روزی جمعی از انا مسلمانان خرابی و ویرانی مساجد مسلمانان را به وی تعریض زده و آبادی و آراستگی کلیساهای خود را برخ او کشیدند. میر در جواب گفت در

۹ - آذر کیوان حکیمی کامل از اهل فارس بوده از گروه سپاهیان و آذر هوشکیان استخر باصفهان رفته و با میرفندرسک معاصر و معاشر بوده و بهندوستان رفته و بریاضت پرداخته و پیروانی فراوان یافته و پس از هشتاد سال درگذشته است. در «جام کیخسرو» به نظم و نثر سیر و سلوک خود را شرح داده و برای پسر خود کیخسرو نگاشته است. (اینندراج به نقل پاورقی کتاب تحفة المراد، تهران، ۱۳۳۷، ص ۱۸۴).

۱۰ - ریاض العارفین، روضه دوم، ص ۱۶۵.

۱۱ - تحفة المراد، مقدمه، صفحات ج ود.

معابد و مساجد ما ذکر حق می‌رود و بنا و عمارات طاقت و تاب آن نمی‌آرد لاجرم شکسته و ویران می‌گردد - لیکن در کلیساهای شما بحقیقت ذکر خدا نیست! گفتند: اگر راست می‌گوئی بیا و در معابد ما ذکر خدا کن تا معلوم شود که ذکر شما را هم‌چنین آثاری نیست. میر با توکل برخداوند طهارت ساخت و به کلیسای معروف و بزرگ شهر، رفت و با استعانت از ارواح طیبه اجداد خود آماده عبادت و ذکر و نماز شد و گروهی از مسیحیان بنظاره ایستاده بودند، میر اذان و اقامه گفت و بعد از نیت دستها به تکبیرة الاحرام برداشت و بانگی به «الله اکبر» برداشت و از کنیسه بیرون دوید و پس از، خروج وی بی‌درنگ سقف آن معبد عظیم فرو ریخت و دیوارها بهم برآمدند^{۱۲}.

آثار گرانهای میر :

میر فندرسکی استاد گروهی از حکما و متکلمین بود و آثاری گرانها از او بیادگار مانده است. تألیفات میرفندرسکی بشرح زیر است:

۱ - کتاب «رسالة الصنایع»، بفارسی و کتابی مختصر ولی مشهور است که در آن از، موضوع کلیه صنایع یاد کرده و در حقیقت علوم، تحقیق و بررسی نموده است. این کتاب در بسئی با نام «حقایق الصنایع» چاپ شد است.

۲ - «تاریخ صفویه»

۳ - «تحقیق المزله»

۴ - شرح «کتاب المهاراة» یا «مهاباراة» تألیف یکی از حکماء هند بفارسی است.

۱۲ - نراقی، ملا احمد: کتاب خزائن، ص ۱۱۶.

این کتاب به «شرح الجوك» مشهور است.^{۱۳}

۵ - «مقولة الحركة والتحقيق فيها»^{۱۴}.

۶ - «کتاب در تفسیر»^{۱۵}.

۷ - «دیوان اشعار»

اشعار میر

میرفندرسکی گاه گاه و بنا به مقتضای حال خویش اشعاری نغز و برخی
غزلیات عاشقانه سروده است که از آنجمله است:

شرب مدام شد چو میسر مدام به

چون می حرام گشت به ماه حرام به

يك بوسه از رخته ده و يك بوسه از لب

تا هر دورا چشید، و گویم کدام به،

ما طفل مکتبیم و بود گریه درس ما

ای دل بکوش تا سبق خود روان کنی

ندانم کز کجا آمد شد خلق است و میدانم

که هر دم از سرای این جهان آن رفت و این آمد

جان دهی و جان ستانی داده حق چشمی ترا

کز نگاهی جان ستاند و ز نگاهی جان دهد

پسرانه پیشم آبی پدرانه بوسمت لب

چکنم پسر ندارم چکنی پدر نداری^{۱۶}

۱۳ - محدث قمی، حاج شیخ عباس: کنی والقباب ج ۳، ص ۲۸.

۱۴ - طهرانی، حاج شیخ آقا بزرگ: ج... ص ۳۹۵.

۱۵ - تذکرة القبور، ص ۹۶.

۱۶ - نصرآبادی اصفهان، میرزا محمد طاهر: تذکرة نصرآبادی. چاپ ارمغان،

تهران، ۱۳۱۷، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

و نیز قصیده حکیمانه معروف او که باستقبال و یا در جواب قصیده ناصر خسرو علوی قبادیانی سروده و مورد توجه حکماء و عرفا واقع شده و برخی از ایشان شرحها بر آن نگاشته‌اند.

قصیده ناصر خسرو با این بیت آغاز میشود:

چیست این خیمه که گویی پر گهر دریاستی

یا هزاران شمع در پیکانی از میناستی

و میر قصیده خود را با این مطلع سروده است:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر دارد هرچه در بالاستی^{۱۷}

این قصیده بنقل «ریحانة الادب»^{۱۸} سی و دو بیت است اما نگارنده

مقدمه کتاب «تحفة المراد» در این زمینه مینویسد: «شاعری دون مقام میر بوده و لیکن طبع بلندی داشته. از اشعار میرفندرسکی قصیده حکمیه که اساس شرح کتاب «تحفة المراد» است شامل چهل و یک بیت میباشد بالتمام در صفحات بعد نوشته شده و بعلاوه دو رباعی و یک دوبیتی از عارف مزبور بنظر رسیده که عینا درج میگردد»^{۱۹}.

در همین مقدمه بنقل از «مجمع الفصحاء» دوبیت زیر را نیز بهمیر

نسبت داده است:

کافر شده‌ام بدست پیغمبر عشق

حنت چکنم جان من و آذر عشق

شرمنده عشق و روزگارم که شدم

درد دل روزگار و درد سر عشق

۱۷ - برای مطالعه تمام قصیده، ر. ک. هدایت: مجمع الفصحاء ج ۲، ص ۶.

۱۸ - ریحانة الادب، ص ۳۵۸ و ۳۵۹.

۱۹ - لایق، فضل‌الله: تحفة المراد، تهران، ۱۳۳۷، مقدمه، ص «ر».

ناگفته نماند که قصیده معروف میر را سید امیر محمد هندی تخمیس کرده و مطلع آن چنین است:

ایکه ذاتت در دو گیتی مظهر اسماستی

جوهری دهر را چون لؤلؤ لالاستی

بشنو از انجام خود حرفی که از مبداستی

«چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی

«صورتی در زیر دارد هرچه در بالاستی»^{۲۰}

«شروح قصیده حکمیه میر»

این قصیده را نامبردگان ذیل شرح و توضیح داده و در آن کتابی پرداخته‌اند.

۱ - محمد صالح بن محمد سعید خلخالی از شاگردان ملامحمدصادق اردستانی.

۲ - حکیم عباس شریف دارابی (متوفای ۱۳۰۰ ه. ق) که شرح خود را «تحفة المراد» نامیده است^{۲۱}. وی یکی از مفاخر دانشمندان فارس در قرن سیزدهم، و فیلسوفی گرانقدر و عارفی عالیمقام بوده است^{۲۲}.
در گذشت و مدفن میر:

و بالاخره میر پس از هشتاد سال که عمر شریفش میگذشت در سنه ۱۰۵۰ در شهر اصفهان و در عهد شاه صفی دیده از جهان فرو بست و بنا بوصیت او کلیه کتب وی به کتابخانه سلطنتی شاه صفی منتقل گردید.

۲۰ - تذکره القبور، ص ۹۶.

۲۱ - دو شرح مذکور بچاپ رسیده است (تذکره القبور، ص ۹۶).

۲۲ - تحفة المراد، مقدمه، ص «یا» و بعد از آن.

تربت این حکیم در کنار مزار قطب‌العارفین بابا رکن‌الدین در تکیه‌ای که بنام «تکیه میر» نامیده شده، واقع در ابتدای گورستان قدیمی تخت پولاد اصفهان قرار دارد.^{۲۳}

بر دیوار حجره این تکیه کتیبه‌ای بخط میرعماد حسنی دیده می‌شود. وی از سادات قزوین بوده و در نوشتن نستعلیق ید بیضا می‌کرده و در سال ۱۰۲۴ هجری قمری با اتهام سنی بودن مقتول گردیده است. غزل ارجمند حافظ با مطلع «روضة خلدبرین خلوت درویشانست» با خط خوش میرعماد حسنی در آن مکان حالتی چنانکه «یدرک ولایوصف» بانسان دست می‌دهد.^{۲۴}

محل قبر سکویی مکعب است که سنگ لوح مزار آنحضرت بعمود روی آن نصب شده و از مرمر شفاف است و تاریخ رحلت میر بخط نسخ متضمن عباراتی متناسب مقام بر روی آن کنده شده و در پایان آن سال درگذشت وی چنین آمده است: «وکان وفاته الف و خمسين من هجرة النبوی ۱۰۵۰».

در این تکیه پرده نقاشی کهنه‌ای که در طرف راست آن میر و در طرف چپ شیخ بهایی، (علیهماالرحمه) تصویر شده است موجود است.^{۲۵} باری، مزار میر مورد توجه مردمان است و بدان توسل می‌جویند و قضاء حاجات می‌خواهند.^{۲۶}

نسخ خطی مؤلفات و شروح مختلف قصیده حکمیه میر»

۱ - رساله صناعیه میرفندرسکی:

۲۳ - تذکره نصرآبادی، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

۲۴ - تحفة المراد، مقدمه، ص ۵.

۲۵ - عبرت نائینی: مدینه‌الادب، ص ۲۹۹.

۲۶ - تحفة المراد، مقدمه، ص «ج»، بنقل از «تذکره القبور».

الف - فهرست کتب خطی دانشکده حقوق صفحه ۴۳۵ تحت عنوان کتاب «لباب الالباب» می نویسد:

«محمد تقی نصیری در قرن یازدهم رساله صناعیه فندرسکی را به عربی ترجمه کرده است.» محمد تقی بن عبدالحسین بن محمد زمان نصیری طوسی سپاهانی که ظاهراً برادر مؤلف، کشف الایات و از خاندان خواجه طوسی و شاگرد فیض کاشانی و از دانشمندان شیعی اخباری و مؤلف مبدأ و معاد بعربی شالوده کتابی بنام «لباب الالباب» ریخته و میخواست است از علوم مربوط به اخلاق و سیاست و فقه که از آنها به «ناموس» تغییر میکند در آن بیاورد این نسخه بخط مؤلف است.

در این کتاب بیست و سه رساله از نصیری و دیگران است. از جمله رساله نهم «رساله الصناعه» ساخته میر ابوالقاسم فندرسکی است. در آغاز رساله آمده است: «هذه رساله موسومة بالصناعة للسید الجلیل المرحوم.... میر ابوالقاسم الفندرسکی فی فنون طوایف الناس من جهة الصناعة الكلية والجزئية و القه و الباطلة کلیة و فی حدالصناعه و الصناعه و الصناعه اصل قریب للتندن و کان هذه الرسالة رشحه من جزء اخیر کتابنا «الناموس» و اما تفصیل الملل و الادیان یظهر فی خاتمه الناموس ان شاء الله تعالی».

ب - فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه : ج ۳، ب ۱. فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوه، گردآوری دانش پژوه، ص ۲۹۵، ش ۱۵۴۵.

۲ - صناعیه (فارسی) میر ابوالقاسم فرزند میرزا نزرگ فرزند میر صدرالدین فندرسکی، استرآبادی. فیلسوف، پزشک و ریاضی دان. این نگارش را درباره گوناگون وسوذهای آنها و شناساندن کسانی که شایستگی هریکی از آنها را دارند، پرداخت، و دارای یک دیباچه و بیست و سه باب است، و با «اخلاق» طوسی در هند بسال ۱۲۶۷، و در تهران بسال

۱۳۱۷ بچاپ رسیده است، این نسخه بشماره ۸ دفتر و بخط شکسته. نستعلیق محمد شریف بن محمد قائمی در سال ۱۰۵۱ نوشته شده است، و نیز نسخه دیگری از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی بشماره ۴۴۴ (جلد دوم فهرست، ص ۴۱۱) موجود است، همچنین در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ج ۳، ص ۴۷۸.

۳ - «جوک باشسته»: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، مجلد ۱۵.

۴ - «جوک باشسته»: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۳، ص

۴۷۸، ش ۲۴۶.

۵ - کتاب کشف اللغات کلیات جوک (فارسی):

میرفندرسکی واژه‌های هند جوک یا شست را در این گفتار بفارسی گزارش میدهد.

آغاز: باب‌الالف: اتمان هستی مطلق و اصل آفرینش

انجام: تیرته معبدتی و بار اسم یکذات ... تم بالخیر

این نسخه بشماره ۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد.

۶ - در فهرست کتابخانه سپهسالار - (ج ۲، ص ۲۵۵) مینویسد:

«فندرسکی در گزیده خویش از جوک، واژه‌های هندی را گزارش

نموده سپس دیگری از روی سخنان نظام‌الدین پانی پتی ترجمان پارسی

جوک، و فندرسکی فرهنگی از آن واژه‌ها ساخته و به آن «لغات جوک»

نام نهاده است» (و نیز، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۸، ص ۱۹).

۷ - مجموعه شماره ۱۴۱۶، نسخه‌ای به خط محمد لاهیجی:

الف - کشف اللغات کلیات جوک از میرفندرسکی

ب - جوک بار شست در عرفان هندی

۸ - نسخه خطی شرح قصیده بنام «تحفة المراد».

از میرزا عباس شریف دارابی، که برای حسام السلطنه در پایان سده سیزدهم نوشته شده است: «... که چون قصیده فریده سیدالحمماء امیر ابوالقاسم مشتمل بر اشارات و اسرار و رموز بود به اشارات و تشویق آقا میرزا محمد خان خازن کتابخانه ملک با ذل هنرور شاهنشاهزاده حسام السلطنه این بی بضاعت بشرح و توضیح آن علی سبیل الاجمال پرداخت». این نسخه بخط نستعلیق از ابوالحسن بن عبدالله و در بیست و سوم جمادی الاولی ۱۲۹۳ آنرا نوشته است. این نسخه را شارح به حسام الدین فرزند حاج میرزا محمد شهیر به حکیم باشی داده است. (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران صفحه ۱۵۳، شماره ۶۵۲، انتشارات دانشگاه).

۹ - شرح قصیده فندرسکی (خطی)، از محمد صالح خلخالی:

محمد صالح خلخالی بر قصیده «چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی» میرفندرسکی این گزارش را نوشته است: «ابیات قصیده در این شرح به ۴۱ بیت میرسد. این شرح جزء «تحفة المراد» است». آغاز: «شرح قصیده عارف کامل میر ابوالقاسم فندرسکی
..... و به نستعلیق

ای آنکه بجز تو نیست در هر دو جهان

برتر ز خیالی و مبری ز گمان

اما بعد، فیقول الفقیر الی رحمة الی ربه القا در العالی محمد صالح الخخالی:، هذه فقرات منی علی القصیده المشهورة المعروفة».

این نسخه نستعلیق محمد بن محمد باقر کاشانی است که در روز شنبه چهارم ع ۱۲۹۳ آنرا پایان رسانیده است.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱ - نعمه (عبدالله): فلاسفة الشيعة، بيروت.
- ۲ - خبری (ملا عبدالکریم): تذکرة القبور، رجال اصفهان، تهران، چاپ سربی، ۱۳۲۸ شمسی.
- ۳ - مدرس (میرزا محمد علی): ریحانة الادب، تبریز ۱۳۴۹. چاپ دوم. جلد چهارم.
- ۴ - امین جبل عاملی (سید محسن): اعیان الشیعة، دمشق، ۱۳۵۴ قمری.
- ۵ - لایق (فضل الله): تحفة المراد، شرح قصیده معروف میر، تهران، ۱۳۳۷ شمسی.
- ۶ - نراقی (ملا احمد): خزائن، تهران، ۱۳۳۷ شمسی.
- ۷ - قمی (حاج شیخ عباس): کنی والقباب، نجف، ۱۳۷۶ قمری، چاپ سربی. جلد سوم.
- ۸ - طهرانی (آقا بزرگ): الذریعة، نجف، ۱۳۵۵ شمسی (۱۳۵۷ قمری)، جلد ۱-۳.
- ۹ - نصرآبادی (میرزا محمد طاهر): تذکره، تهران، ۱۳۱۷ شمسی.
- ۱۰ - براون (ادوارد): تاریخ ادبیات از آغاز صفویه تا زمان حاضر، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ۱۳۱۶.
- ۱۱ - هدایت (رضا قلی خان): مجمع الفصحاء، تهران، ۱۲۹۵ قمری، چاپ سنگی.
- ۱۲ - تنکابنی (محمد بن سلیمان): قصص العلماء. تهران، چاپ سنگی، ۱۲۹۵ و ۱۳۵۹ قمری.
- ۱۳ - نفیسی (سعید): احوال و اشعار شیخ بهائی تهران، ۱۳۱۶.
- ۱۴ - هدایت (رضا قلی خان): ریاض العارفین، تهران، ۱۳۱۶.

- ۱۵ - دانش پژوه (محمدتقی): فهرست کتب خطی دانشکده حقوق، تهران.
- ۱۶ - دانش پژوه (محمدتقی): فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۳۲، ۱۳۳۵.
- ۱۷ - خوانساری (محمدباقر): روضات الجنات، تهران، ۱۳۵۶ قمی.
- ۱۸ - قمی (حاج شیخ عباس): فواید الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، تهران، ۱۳۲۷ شمسی، چاپ سربی.
- ۱۹ - آشتیانی (سید جلال الدین): شواهد الربویة و رسائل فلسفی و شرح فصول، ۱۳۴۶ شمسی.
- ۲۵ - مصاحبی نائینی (عبرت): مدینه الادب، فهرست اسامی شعرا و علما و عرفا و هنرمندان، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی.